

## مصاحبه ها و تحولات کلامی اعلیحضرت

### در مصاحبه های آلمان

امیرفیض- حقوقدان

اعلیحضرت در سفر به برلن به منظور گفتگو نسبت به حقوق بشر در ایران مقدم به انجام ۵ مصاحبه در مدت سه روز شده اند بحث و نقد تمامی بیانات ایشان در ظرفیت کنونی اینجانب نیست ولی شاید بتوانم تنها تحولاتی که در بیانات ایشان روی داده را به گفتگو آورم.

#### ۱- استفاده از انرژی اتمی

در گذشته بارها و بارها اعلیحضرت به حق مسلم ملت ایران در استفاده از انرژی اتمی تاکید داشته اند و همان طور که میدانیم تاکید ایشان از حقوقی که سازمان ملل متحد و آژانس انرژی اتمی برای همه ملت های جهان قائل شده است برخوردار بوده است.

اعلیحضرت در مصاحبه های برلن برای اولین بار مخالفت خودشان را با استفاده ملت ایران از انرژی اتمی اعلام فرمودند و دلایلی نیز برای حقانیت مخالفت خود برشمرند که در واقع یک جبهه گیری تازه علیه خواست بحق مردم ایران و حتی خواست های مشروع ملتها در حیطه حقوق بین الملل است.

#### ۲- دلشادی از قطع مذاکرات ۱+۵ با جمهوری اسلامی

شنونده بیانات اعلیحضرت نمیتواند دلشادی و امیدآوری ایشان به قطع مذاکرات آژانس اتمی و کشورهای ۱+۵ با جمهوری اسلامی را احساس نکند در حالیکه همه میدانیم شکست کامل مذاکرات هدف کشورهای خاصی از جمله اسرائیل در حمله به ایران است و اعلیحضرت در بیان این احساس ناموزون رعایت اندکی احتیاط را هم لازم ندانسته اند.

درجائی از بیاناتشان اینطور آمده است **> به اسرائیلی ها گفتیم که بفرض حمله به ایران دوسه سالی برنامه اتمی ایران بعقب خواهد افتاد پس بجای حمله بیانید به ملت ایران کمک کنید <**

در کمال تاسف مفهوم مخالف این توصیه ایشان این است که اگر حمله اسرائیل به ایران برنامه اتمی ایران را مانند عراق بکلی متوقف و ناکار سازد آن حمله مجاز و تائید شده است و همچنین متبادر این مفهوم هم میباشد که حمله اسرائیل به ایران یک حق شناخته شده برای اسرائیل است و اعلیحضرت در مقام معامله حق مزبور با کمک به مردم ایران قرارداد داشته اند.

کاملاً معلوم است که بی احتیاطی های اعلیحضرت در بیان مطالبشان در رابطه با نفرتی است که بحق از جمهوری اسلامی دارند ولی اعلیحضرت که در کتاب زمان انتخاب میفرمایند:

**> نباید کشور را که ابدی است با رژیم کنونی که موقتی است مخلوط کرد <** حق نیست که ابدیت ایران را تحت الشعاع نفرت از جمهوری اسلامی ساخت.

اعلیحضرت که در کتابشان و فرمایشاتشان بکرات به نظر اکثریت مردم بادیه احترام و اعتبار نگاه میفرمایند آیا تصور میفرمایند نظراتشان نسبت به مسئله انرژی هسته ایران مقبول مردم است؟ و مردم ایران هم در انتظار شکست مذاکرات و ادامه تحریمها و احتمالاً حملات هوایی و موشک های آمریکا و اسرائیل هستند؟

اعلیحضرت که در کتابشان میفرمایند:

**> آنچه مراهواره تحت تاثیر قرارداد و به من فهمانده که مسئولیت سنگینی بردوش دارم علاقه و انتظاری است که در رفتارهای مردم ایران به خود مشاهده میکنم - من پناهگاه مردم خواهم بود و جزاین عمل نخواهم کرد < (صفحات ۶۳ و ۴۶)**

آیا دلشادی از قطع مذاکرات و احتمالا حمله نظامی به ایران و تنگناهای تحریم ها به معنای پناهگاه بودن برای مردم است؟ مردم که از پادشاهشان دوبار شنیده اند که **< کاری نکنید تا من بشما بگویم چه بکنید >** آیا انصاف است که **به جای مردم به بیگانگان گفته شود که با ایران چه بکنید؟**

### **۳- اهرم حرکت ملت**

اعلیحضرت ضمن اظهار ناراضایتی از آنکه کشورهای جهان فقط با جمهوری اسلامی دیالگ رسمی داشته اند اعتراض دارند که چرا خارجیان **< از اهرم حرکت ملت استفاده نمیکنند >**

**اهرم حرکت ملت ایران در فرهنگ ایرانی پادشاه ویا آخوند اعظم است نه بیگانه.** این اولین درس ایرانی بودن است سی سال است که آمریکا رسماً و باتصویب کنگره به مخالفین جمهوری اسلامی بغیر از سلطنت طلبان کمک مالی و فنی و حمایتی میکند و اگر اهرم حرکت ملت ایران درید قدرت آن کشور بود تاکنون از آن استفاده کرده بود. اعلیحضرت که در کتابشان میفرمایند:

**< از نظرتاریخی هیچ آدم جدی مرابه عنوان وارث نهاد پادشاهی انکار نمیکند - نهاد پادشاهی به قدمت خود ایران است >**

چرا از اهرم تاریخی نهاد سلطنت که درید اعلیحضرت است استفاده نمیشود و بدنبال اهرم آمریکا و اسرائیل هستند؟ تحولات تاریخی ملت ایران به رهبری پادشاهان بوده است ویا آمریکای اسرائیل؟ آیا اعلیحضرت خودشان رایک آدم جدی نمیشناسند؟

اعلیحضرت که در کتابشان تاکید میفرمایند:

**«اپوزیسیون دمکرات ایران نباید مورد پشتیبانی هیچ حکومتی قرارگیرد»** نمیتواند باچنان تحولی روبرو شود که برسد به فرمایشات ایشان در تلویزیون اسرائیل.

### **۴- چرا بانمایندگان اپوزیسیون دمکراتیک تماس ندارند**

بهانه وگله بسیار لوس و بی مزه ای است. کدام اپوزیسیون و بقول آقای کسینجر **< تلفن و نشانی اپوزیسیون کجاست >** در حالیکه اعلیحضرت در همین مصاحبه میفرمایند: **< تشکیل اپوزیسیون امر عاجلی است >** یعنی تاکنون اپوزیسیون یا امر عاجلی نبوده ویا اگر هم بوده تشکیل نشده! در این صورت **بر چیزی که وجود ندارد چگونه میتوان آثار و توقعاتی راهموار ساخت؟**

اجازه فرمائید در این جا به یک مطلبی که ناشی از گفتارهای بی مطالعه و غیر حکیمانه اعلیحضرت است اشاره ای بشود تا شاید سبب شود که در بیان موضوعات، توجه به آثار سخن جای ممتاز خود را بازیابد.

اعلیحضرت جواز حمله اسرائیل ویا آمریکا به ایران را با چنین وصفی صادر فرموده اند.

**«بعنوان نماینده اپوزیسیون دموکرات ایران این رژیم تمامیت خواه میگویم هنگامیکه بطور عملی مشاهده کنیم که نهایت آنچه میباید میشده انجام گرفته و به زعم پشتیبانی حقیقی جهان از ما به موفقیت دست نیافته ایم در این موقع میتوانم**

## بفهم که به راه حل نظامی برسیم و از این بابت غمگین خواهیم شد و بعنوان ایرانی خود را زخمی احساس خواهیم کرد چرا که موضوع پرسرکشورم است اما میتوانم آنرا بفهمم» ( ۱۹۸ کتاب زمان انتخاب)

بیانات اعلیحضرت در کتابشان بشرحی که آورده شد از نظر حقوقی یک نوع ایجاب در عقد است، یعنی در صورتی که جهان (کشوری که خود را علاقمند به حمله نظامی به ایران اعلام میکند فقط اسرائیل است) به اپوزیسیون دمکراتیک ایران کمک بکند و ماموفقی نشویم جهان (اسرائیل) حق دارد به ایران حمله کند!!!

قرار بالا را اعلیحضرت به نمایندگی از اپوزیسیون که سی سال است **تشکیل نشده** و در همین مصاحبه برلین هم تشکیل آنرا امری عاجل دانسته اند یعنی اپوزیسیون وجود نداشته و هنوز هم ندارد و بالطبع هم نمیتواند نماینده داشته باشد با جهان بویژه اسرائیل گذاشته اند. از آنجا که قصور در این قرار متوجه جهان و اسرائیل نیست و به عبارت دیگر اپوزیسیون که اعلیحضرت نماینده آن شناخته شده باشد وجود خارجی ندارد (حتی در همین مصاحبه ها هم ایشان بعنوان یک فعال حقوق بشری و یا سخنگوی ۱۰ نفری که **معلوم نیست کیستند** و چه صلاحیتی داشته اند معرفی شده اند) لذا قید مقرر در قرار اعلیحضرت موهوم و بی اعتبار بوده و اجازه حمله به ایران در کتاب زمان انتخاب، به بیگانگان داده شده است.

آنچه عرض شد حقی است که اسرائیل و آمریکا میتواند برای حمله نظامی به ایران به آن اتخاذ سند نمایند ولی از نظر حقوقی ایجاب و یا قرار اعلیحضرت با هیچیک از موازین حقوقی اعم از بین المللی و یا حقوق سیاسی و حق حاکمیت ملت ایران منطبق نیست و لذا قرار ایشان نمیتواند منشاء آثار و استفاده بیگانگان باشد.<sup>۱</sup>

زیرا هیچ کشوری نمیتواند برخلاف اصل منشور سازمان ملل متحد که عملیات نظامی را علیه کشورها ممنوع ساخته حکمی بدهد تاچه رسد به یک فرد عادی.

دوم اینکه پادشاه در حقوق اساسی ایران حقوقی دارد معلوم و مشخص و ابد و هرگز نه کوچکترین اشاره و یا برداشت تفسیری و یا سابقه ای در عمر ۲۵۰۰ ساله سلطنت ایران وجود دارد که پادشاهی به کشورهای خارجی حق تعرض نظامی به ایران راداده باشد.

سوم برای افراد کشور که اعلیحضرت خودشان را در ردیف آنان میدانند چنین درخواستی جرم جنایی تلقی میشود.

### ۴- ادامه دیالگ با جمهوری اسلامی

در گذشته اعلیحضرت خواستار قطع گفتگوی جهان با جمهوری اسلامی و پشت کردن به آن و دیالگ با اپوزیسیون بوده اند اما در مصاحبه های اخیر موافقت فرموده اند که دیالگ رسمی با جمهوری اسلامی ادامه داشته باشد ولی با اپوزیسیون دمکرات **هم تماس و دیالگ رسمی داشته باشند**.

**حاشیه:** گفتگوی رسمی به گفتگویی تعبیر میشود که طرفین صلاحیت و ظرفیت قانونی برای گفتگو داشته باشند، هیچ قانونی اجازه گفتگوی مخالفین حکومت را با خارجیان نمیدهد که هیچ آنرا هم جرم میدانند تاچه رسد که به آن عنوان رسمی داده شود، مانند آن است که گفته شود خیانت رسمی (پایان)

### ۵- انتخابات آزاد

در بیانات اعلیحضرت ( مصاحبه شهرام میریان ) برای اولین بار بعد از ۲۰ سال مجدداً تشریح در انتخابات آزاد مطرح شده است «از کشورهای جهان میخواهم که ما را در درخواست **انتخابات آزاد حمایت کنند**» و بعد هم اضافه فرموده اند که

<sup>۱</sup> - اگر اعلیحضرت خود را در مقام «شهروند» قرار داده اند که داده اند بنابراین این درخواست ها و قول و وعده ها از سوی یک «شهروند عادی» در قالب کدام مورد حقوقی جای می گیرد. یک شهروند عادی که نمی تواند از سوی ۷۵ میلیون مردم ایران قول و وعده و تشر و تهدید روا بدارد. یا درخواست جنگ و حمله علیه کشورش را بکند. اگر هم بکند بی اثر است. ح-ک

**<من کاملا توضیح دادم که حمایت کشورها ازخواست یک ملت برای انتخابات آزاد دخالت درامورکشورها محسوب نمیشود><sup>۲</sup>**

## **دور باطل**

درپیام هشتم آبانماه سال ۱۳۷۰ یعنی ۲۰ سال قبل اعلیحضرت تز انتخابات آزاد رامطرح فرمودند که درکیهان لندن شماره ۳۶۴ بازتاب یافت عین بیاناتشان دراین مورد چنین است:

**«..... همه رویداد های اروپای شرقی وشوروی که تازه ازقید نظام توتالیترآزاد شده اند ثابت میکنند که موفقیت آنان مرهون انتخابات آزاد بوده است. به همین سبب من بعنوان نخستین تجربه جدی دموکراسی پس ازچندین دهه پیشنهاد انتخابات آزاد را در کشورم دادم خوشبختانه این پیشنهاد درمهمترین سازمان ها وگروه های سیاسی واکنش مساعدی داشت، چنین واکنشی برای گامهای بعدی که باید برداشته شود بسیار تشویق کننده است. با این همه، بحث روشنگرانه درباره انتخابات آزاد باید چنان باجدیت دنبال گردد که هیچ نقطه مبهمی دربرده ابهام وتاریکی نماند....»**

درایران امروز، انتخابات آزاد کارکرد دیگری هم خواهد داشت وآن اینکه آسان ترین وآرامترین راه برای برکناررفتن، پیش پای این رژیم میگذارد - انتخابات آزاد راهی دربرابراین حکومت میگذارد که برای ایران کمترین خطرها وزیان ها و برای دست اندرکاران این حکومت بیشترین اطمینان ممکن را نسبت به آینده شان بوجود میآورد»

اعلیحضرت درهمان پیام خودشان به ملت ایران اعلام فرمودند که «خوشبختانه نیروهای متشکل از مبارزان راه آزادی ایران برسراسول، چنان بوحدت عقیده ای رسیده اند که تا وحدت عمل راه درازی درپیش نیست. طولانی ترین و دشوارترین مراحل راهی که مارابه هدف مشترک میرساند پیموده شده است ..... رسیدن به این درجه همبستگی وهمدلی، صبروحوصله، حسن نیت واستقامتی لازم داشت که اکثر یاران راه ، ازخود نشان داده اند»

درارتباط باتوصیه اعلیحضرت به لزوم بحث درباره انتخابات آزاد، سنگردرچند تحریرازجمله درسنگراول دیماه سال ۱۳۷۰ موضوع انتخابات آزاد رامطرح ومورد بحث قرارداد که هدف آن تحریرمتوجه اثبات موارد زیر بود:

**اول -** اینکه انتخابات آزاد که واژه ای مصطلح است همان انتخابات قانونی است وازآنجا که آزادی، یعنی انسان هرچه قانون منع نکرده مختاراست که انجام دهد لذا تعریف انتخابات آزاد هم میشود انتخاباتی که قانون انتخابات وقانون اساسی کشورکاملا رعایت گردد وهیچگونه عمل خلاف قانون صورت نگیرد.

**دوم -** اگر قانون انتخابات یک کشورواجد محدودیت هائی نسبت به قوانین انتخاباتی سایرکشورهای دیگرباشد ویاحتی در برخی موارد تناقضاتی باآزادی ها وحقوق فردی داشته باشد ولی بهنگام انتخابات همان قانون کاملا رعایت شود وهیچگونه عمل خلاف همان قانون انتخابات صورت نگیرد انتخابات آن کشورآزاد وقانونی بوده است، زیرا اصل این است که قانون اراده جامعه است ولی میتوان گفت که قوانین آن کشورناقض حقوق فردی وآزادی های سیاسی است.

**سوم -** احراز این حقیقت است که انتخابات آزاد مورد نظریام منتسب به اعلیحضرت فقط وفقط برمینای قانون انتخابات و قانون اساسی رژیم غاصب است که درآن قانون شرائط انتخاب کنندگان وانتخاب شوندهگان وهیئت نظار (شورای نگهبان) بنحوکامل ومشروعی مقررشده است.

<sup>۲</sup> - اصل درخواست از بیگانه خود درخواست دخالت در امور داخلی کشور محسوب می شود و فقط باگفتن اینکه «انشا الله گریه است» مهم رفع مسئولیت نمی کند. ح-ک

بنابراین کسانی که قائل به مشروعیت جمهوری اسلامی و فراندم تغییر رژیم کشور هستند قانون اساسی و قانون انتخابات آن رژیم ملاک مشارکت آنان در سرنوشت حکومت است و آنها نمیتوانند قانون اساسی و قانون انتخابات را نفی کنند، خاصه که در اجلاس ۱۵۴ شورای اتحاد بین المجالس که در سال ۱۹۹۴ در پاریس تشکیل گردید جمهوری اسلامی با همین قانون اساسی و شورای نگهبان و قانون انتخاباتش به عضویت شورای مزبور درآمد یعنی شورای مزبور با ملاحظه محدودیت های موصوف در قانون اساسی و قانون انتخابات جمهوری اسلامی عضویت آنرا پذیرفت.

**حاشیه =** علت آنکه شورای مزبور وجود شورای نگهبان و محدودیت های موجود در قانون انتخابات جمهوری اسلامی را نادیده گرفت این است که در اعلامیه مفصل اتحادیه شرایط انتخابات آزاد و منصفانه مقرر شده است.

> هرکس حق دارد در اداره امور کشور مشارکت کند و از موقعیت مساوی برای نامزد شدن در انتخابات برخوردار باشد. موازین مشارکت در حکومت طبق قوانین اساسی و عادی و ملی تعیین خواهد شد< پایان حاشیه

**چهارم -** شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی که بیانیه اعلیحضرت مشوق آن است متوجه کسانی است که برای جمهوری اسلامی و فراندم سال ۵۸ قائل به مشروعیت هستند و اعلیحضرت که به هر حال اگر قائل به مشروعیت جمهوری اسلامی نباشند نمیتوانند، توصیه مشارکت مردم را در انتخابات جمهوری اسلامی که بارها اعلیحضرت از آن بعنوان غاصب یاد کرده اند بفرمایند، **و این اقدام ایشان نوعی بیعت است با جمهوری اسلامی که مصائب بیشماری را در پی خواهد داشت.**

تحریم انتخابات، درخواست انتخابات آزاد و منصفانه، مشارکت در انتخابات چه بصورت انتخاب شونده و یا انتخاب کننده، فرع و دلیل بر قبول مشروعیت رژیم غاصب است، فرع بر اصالت شورش ۵۷ و در ماهیت انقلاب اصیل ملی است. این فروع اگر وجود نداشت و یا شخص نسبت به آنها باور اعتقادی نیافت مسئله تحریم انتخابات و یا شرکت و یا درخواست آزاد بودن آن بکلی منتفی است. زیرا که غصب، حالتی است که منافی با استقرار حق مشروع است و به کلامی دیگر غصب، استیلا و قدرت ناحق است بر مال و مقام. (از سنگر ۱۵ فروردین ۷۵)<sup>۳</sup>

## ۵ سال در راه تقاعد

۵ سال برنامه اعلیحضرت مبنی بر شرکت در انتخابات با مشارکت و همفکری داریوش همایون همچنان ادامه یافت و حتی به آنجا کشید که گفته شد: <تنهاراه نجات کشور شرکت در انتخابات است> و داریوش همایون در کیهان لندن نوشت: <هرکس راه بهتری از شرکت در انتخابات را دارد به آن راه برود>

این ۵ سال در شرايطی ادامه یافت که هرکس بقدر امکاناتش نقاط ضعف تر شرکت در انتخابات را ارائه داد و سنگر هم بهرمناسبتی و یا توجهی که از سوی اعلیحضرت در رابطه با شرکت در انتخابات ابراز میشد تحریری مستند و مستدل در رد آن تقدیم حضور مینمود.

مهم در جریان ۵ سال تلاش برای اثبات اینکه با وجود جمهوری اسلامی انتخابات آزاد و منصفانه غیر ممکن است این است که شخص اعلیحضرت که در جریان بحث های سنگر قرار داشتند در تاریخ اول بهمن ماه سال ۱۳۷۱ فرمودند:

**«من میدانم که یک عده ای هستند که شاید از این طریقی که من مسئله را میبینم، الزاما معتقد نباشند واقعا خوشحال خواهم بود اکر یک روزی کسی بتواند واقعا مرا متقاعد بکند که راه بهتری را در نظر دارد و میتواند ارائه دهد بسیار خوب میرویم دنبال آن راه حل بهتر» (مشروح بیانات اعلیحضرت در سنگر اول بهمن ماه ۱۳۷۱)**

<sup>۳</sup> - درجایی که مردم ایران یک پارچه در سال ۱۳۸۸ اعتراض بر داشته بود «رای من کو» و رژیم اسلامی قادر نبود «تقدس» رای مردم را بجا آورد و اعلیحضرت هم بارها انتخابات در درون رژیم اسلامی را تحریم کردند، چطور امروز و ارونه آن سفارش را به مردم توصیه می کنند؟؟ چند سال پیش پنجسال مداوم توصیه به شرکت در انتخابات (دوران خاتمی) و سالها بعد منع انتخابات (۱۳۸۸) و امروز توصیه اکید به انتخابات... یک بام و دو هوا... ح-ک

خوشبختانه پس از گذشت ۵ سال اصرار ناموجه اعلیحضرت تعدیل گردید و اعلیحضرت قبول فرمودند که با وجود جمهوری اسلامی امکان انتخابات آزاد و منصفانه ممکن نیست و از آن زمان در بیشتر بیانیه ها و مصاحبه ها نقل کلامشان همین اصل مسلم یعنی عدم امکان انتخابات دموکراتیک در رژیم جمهوری است و استدلال های محکم ایشان و استناد به مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی نشانی از عمق باور ایشان به تقاعدی است که پس از ۵ سال به آن رسیدند (به اطلاعیه دبیرخانه درباره انتخابات خرداد سال ۱۳۸۰ برای نمونه رجوع فرمائید - سنگر ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۸۰).

در کمال تاسف اکنون ناظریم که باردیگر مسئله شرکت در انتخابات سرفصل مبارزه اعلیحضرت قرار گرفته است (مصاحبه باشهرام میریان) یعنی دورباطل و هردورباطلی با ۵ سال و ۱۰ سال و این بار از بیگانگان خواسته اند که موجبات انتخابات آزاد را فراهم کنند و عجیب اندر عجیب این است که چنین اقدامی را از سوی کشورهای خارج مداخله در امور کشور **نمیدانند** و آنرا یک حق طبیعی میدانند.

**اعلیحضرت دقیقاً اشتباه میفرمایند نه تنها عمل کشورهای خارج در قبول درخواست اعلیحضرت مداخله در امور ایران است بلکه درخواست اعلیحضرت هم دعوت بیگانه به مداخله در امور ایران است و این خواست جدید اعلیحضرت. جز با براه انداختن شورش های داخلی و تجزیه طلبی و احتمالاً جنگ یعنی الگوی لیبی و سوریه آنهم به فرماندهی بیگانگان ممکن نیست.**